

التبيان ويرتفع شراع الحيات في سفينة النجات على بحر  
 الامكان الخ \* و در مصیبت صعود میرزا امراشی بسیار از فارسیه  
 و عربیه سروده اند از آن جمله رثائی است که فصیح الطبع  
 شوریده شاعر شهیر شیرازی بنظم آورده به کلام محضر حضرت  
 غصن اعظم عبدالبهاء ارسال داشت و هی هذه .  
 شدزی جنان چو خواجه ابوالفضل ازین جهان  
 گفتند فاضلان که لك الفضل ای جنان  
 شد کاخ قدس طرفه ازین طرفه آدمی  
 شد باغ غلده تازه ازین تازه میهمان  
 او گنج شایگان بدوین جهان بخاک ماند  
 آری نهان بخاک بود گنج شایگان  
 ببرید دل ز مهر عزیزان مصرد هر  
 شد یوسف روانش در مصر جان روان  
 شیرینتر از بیان قلمش و از قلم سخن  
 شیواتر از سخن نکتش و از نکت بیان  
 برجیس چرخ دفتر فضلی بخواست خواند  
 گفتم یکی فرائد ابوالفضل را بخوان  
 دانشوران عصر بشیرین زبانیش  
 برسان خامه دوزبان جمله یک زبان  
 او شد نهان بخاک و فروغش برون خاک  
 خورشید را نهان بگل اندود چون توان

گلپایگان جسم بگلپایگان قدس  
 تبدیل کرده شد بگستان آن جهان  
 ای دل ازین وثاق مضیق مجومجال  
 ای جان درین رواق پرآفت مکن مکان  
 از سفره جهان سیه کاسه دست شو  
 کاین میزبان سفله نه آیت دهنه نان  
 برمانگرچوزندان این عرصه زمیــــن  
 از سرگ بوالفضائل آن افضل زمان  
 نی این خطا بود که ورا جان علوی است  
 عاری است جان علوی از سرگ و از هوان  
 جان داشت بهر خدمت جانان در آستین  
 هم جان در آستینش وهم سریر آستان  
 اندر جواز حضرت ابهی مقرر گزید  
 پیوست رود ژرف بد ریای بیکران  
 زانجیل وزند و مصحف و تسورات همچو او  
 یک تن خبیر خاصه با یقسان مکن کمان  
 گراختری بکاشت از این عصر جان فرروز  
 ورگوهری نماند درین عهد دلنشان  
 ایشمن عهد حضرت عبدالهباء توباش  
 ای کنز فیض معنی کهف الامان تومان

گرشد سهان هفتده بهمانا د آفتاب

ورشده گيافسرده مصون باد بوستان

شمس تجلی تووزین سوک دود آه

ازدل مسزن که شمع تجلی است بید خان

بوالفضل رفت جان جهان داد مرتورا

جان جهان گذاشت بجان جهانیان

در رحلتش زنده دوتاریخ میهنسو

صدموهبت بتربتش ازخاک میرسان

سال هزاروسیصدوسی و دوید که گرد

بوالفضل در صفر سفر ملک جاودان

تاریخ دیگرش بحساب جمل شنسو

بوالفضل بین که دید بهار او داد جان

حاجی محمد تقی شوریده - مجد الشعراء عین عبارتش کسه  
برای درج در فارسنامه ناصری داده چنین است در سال  
۱۲۷۴ زحمت افزای این سرای سپنجی شدم در هفت  
سالگی هردو جهان بینم را آبله پوشید آنچه لسانم در معالجه  
کوشیدند بیفایده افتاد از هفت سالگی مشغول مراتب کمالیه  
گشتم و در سال ۸۵ والد ماجدم طومار زندگانی را نوشته در  
گذشت و گاهی چند شعر گفته است و بنام خود که عباس بود  
تخلص مینمود از و شنیدم که از پدرش میگفت در سن نامه دیدم  
که نسیم با همی شاعر شیرازی منتهی میشد و در سال ۸۸ با خال  
ستوده حالیمکه معظمه و مدینه طیبه مشرف شدم .

دیگر آقا محمد رضا قناد سابق الوصف از مخلصین مستقیمین اصحاب آنحضرت شد تا وفات نمود و مدفنش در قبرستان عکا است و از پسرانش میرزا حبیب الله عین الطلک که بهر توفیق و تربیت آنحضرت صاحب حسن خط و کمال شد و همی سعی کرد و کوشید که شبیه برسم خط مبارک نوشت و در سنین اولیه نزد آنحضرت کاتب آثار و مباشر خدمات گردید بعد اُمشاغل دولتی و ماموریت در وزارت خارجه ایران یافت و پسر دیگرش میرزا جلیل غیاث در عکا و هم از دخترش که در شام شوهر نمود مال با سعادت و رضایتی بروز نکرد دیگر میرزا محمود کاشمی سابق الوصف نیز از مخلصین ثابتین بوده در حد و در سال ۱۳۳۰ وفات نمود و مدفنش نیز در قبرستان عکا است و از پسرانش میرزا طراز الله و میرزا عزالدین خاندانش برجای ماند و لسی هیچیک خلف پدر نشدند .

دیگر میرزا اسد الله اصفهانی که شرح سابقه احوالش را در بخش ششم آوردم و بعد از غروب شمس جمال ابهتی بجوار حضرت عبدالبهاء مانده مراسمه بیلا در ایران نمود مشاهیر بهائیان را بمهد و میثاق همی خواند و در آنسنین بدینگونه خدماتی انجام داد و سفرهای بی دربی در قسمت‌های متعدد نمود و در سال ۱۳۱۲ با حاجی میرزا حمید رحلی مذکور قریب هشت ماه در تبریز مانده و در بلاد آذربایجان

نشر انوار میثاق نمود و در بلاد بسیار موسسات و آثار بی مقرر کرد  
 و حسب الامر جسد مطهر حضرت اعلی را بحیفا رساند تا در مقام  
 اعلی دامنه جبل کرمل استقرار گرفت و بالاخره در سال ۱۳۲۳  
 حسب الامر مبارک بامریک رفته در رفع رایات ضلال نقس من  
 خدماتی انجام داد ولیکن در آخر ایام چون پسرش امین فرید  
 از اطاعت حضرت عبدالبهاء سرپیچی نمود و فریب امور عرضیه  
 حیات مادی را خورد پدر و مادر و خواهر نیز بواسطه او طریق  
 نافرمانی گرفتند و مطرود گشتند و میرزا اسد الله در آمریکا مقیم  
 گردید تا در حدود سال ۱۳۴۳ در گذشت و پسرش امین  
 مذکور که بتائید حضرت عبدالبهاء تحصیل طب را در دارالفتو  
 شیکاگو تمام کرده در مریم خانیه ها تکمیل عطیات جراحی و  
 کحالی نمود و بالاخره در شهر مسافرت مرکز عهد بامریک مترجم  
 انگلیسی شد اما مال مادی و تمایلات نفسانیه موجب یأس و  
 خیبه اش گردید و مطرود گشت و با اخترا امریکائیه متمول  
 تزویج کرده در آن مملکت ساکن شد و با عدم رضا مرکز عهد  
 و میثاق ابهی ایام عمر را در آنجا بسربرد و اخترا میرزا اسد الله  
 زوجه مسترسدنی اسپراک امریکائی شده مقیم آنجا گردید  
 و میرزا اسد الله کتب و رسالاتی عیدیه بنام این امر نوشته نشر  
 داد که اشهر آنها کتابی بنام مکتبه الانبیا است و بلغه انگلیسی  
 در امریکا طبع و نشر گشت و ترجمه های فرید بسیاری از آثار ابهی

رابانگلیسی در اوائل سنین امریکا متداول بین الاحباب بود  
 دیگر آقا سید تقی منشادی موصوف در بخش ششم بالاخره  
 در جوار افضال و عنایت حضرت عبدالبهاء قرار گرفت او را در  
 حیفا برای مساعدت زائرین واردین گذاشته بمباشه سرت  
 ارسال آثار و اخذ عرایض گماشتند و پس از چندی در رپورت سمعید  
 واسطه وصول و ایصال عرائض و آثار مقرر فرمودند که سنینسی  
 بانخدمات عامل شد تا ازین جهان درگذشت و در آنهنگام  
 تقریباً هشتاد و پنج سال داشت و از جمله خدام مخلص  
 باوفای آنحضرت آقا حسین آقا قهوه چی بن حاجی علی عسکر  
 تبریزی که شرح احوالشان را در بخش ششم آوریم و تقریباً  
 بسال ۱۳۲۵ وفات کرده در حیفا مدفون گردید و دخترانی  
 از وی برجای ماند که نسلی برقرار کردند و دختر حاجی علی  
 عسکر یکی زوجه غصن اکبر و دیگر زوجه محمد جواد قزوینی بودند  
 و از جمله خدام باوفای آنحضرت خسر و هندی که در حضر  
 و غالباً در سفر نیز خادم حضور و اخیراً راننده اتومبیل بود و  
 دختر آقا فرج سلطان آبادی را در کمال ملاحظت و عنایت  
 باز و اجش در آوردند و بعد از صعود آنحضرت بیطاعت شد  
 و بالاخره چون حضرت ولی امرالله ویرا باعائله ببیروت  
 فرستادند نویتی برای زیارت بحیفا با آمد و سم الفار خورد  
 در بیت مبارک جان تسلیم نمود و در قبرستان بهائوسی

مدفون گردید دیگر اسفند یار هندوستانی که سالها کروسه چی  
 آنحضرت بود دیگر اسمعیل آقاسیسانی باغبان باغچه های  
 که همانجا منزل داشته بعشق و اخلاصی مفرط خدمت کرد  
 و بعد از آنحضرت از شدت تأثر حلقوم خود را برید ولی در آنحال  
 رسیدند و مانع شدند و بخیبه کردند و سالهایی زندماند .  
 دیگر آقا علی اصغر قزوینی که سالهایی در خدمت بسربرد  
 دیگر حاجی نیاز کرمانی ساکن مصر کراماً از قاهره مصر بیزارت  
 حضرت عبدالبهاء همی آمد تا بالاخره بسن هشتاد در مصر  
 درگذشت دیگر از مجاورین جوار میثاق داش علی که در سال  
 ۱۳۳۲ در عکابخانه عبود درگذشت و داش ابراهیم بمقام  
 اعلی در سال ۱۳۱۹ درگذشت و نیز آقا محمد مسافر خانه که  
 پس از غروب جمال مبین در ظل میثاق قرار گرفت ولی از فراق  
 محبوب ابهی همی نالید و گریست تا یک چشمش نابینا گشت  
 و دو سالی بیش نرفت که بجهان دیگر خرامید و آنحضرت بفایت  
 تجلیل مجلس گرفته جسد را در قبرستان بهائی دفن کردند  
 و آقا محمد حنا ساب بخدمت نزد آنحضرت ماند تا درگذشت  
 دیگر آقا فتح سلطان آبادی سابق الذکر در بخش ششم در  
 سنین اولیه ایندوره بحال ثبوت در ایمان بمیثاق در عکاب  
 متوفی و مدفون گشت و دخترانش عائله تاسیس نمودند دیگر  
 از مجاورین مرکز عهد و میثاق سلیمانخان جمال افندی

سابق الوصف در بخش ششم که در او آخر سال ۱۳۱۳ با دو تن از ایرانیان جدیدالایمان که یکی حکاک خاتم و دیگری کلاهدوز بود و با صبیبی بشیرنام برای خدمت بیت مبارک رهسپار ارض مقصود گردید در جوار فضل و عنایت بیارمید تا در سال ۱۳۱۵ حامل لوح و پیام برای میرزا علی اصغر خان صدراعظم دولت ایران که معزول از صدارت و تبعید در قم بود ابلاغ رسالت نمود و در شهر ربیع الثانی سال مذکور به کابل برگشت و در جوار ایمان تا در ۲ ربیع الثانی سال ۱۳۱۶ درگذشت و در مقبره عکامد فون گشت و پسر سنگ قبرش بدستور آنحضرت چنین منقوش شد . " ان جمال الدین السائح الشرفی کل اقلیم الناشر لراحة محبة الله اصبح سالحاً اقلیم الله التي خفيت عن ابصار اهل الحجاب الفاتحه سنة ۱۳۱۶ هـ . ق " و او را عاقله نبود .

دیگر آقا محمد مصطفی سابق الذکر با عاقله مقیم بیروت و از مشاهیر ثابتهین بر عهد و میثاق بود ناقضین و مخالفین ازومیم و هراس داشتند در حضورش نهایت احتیاط مینمودند و در گفتار و رفتار مراسم ادب را مراعات و ملحوظ میداشتند و بالاخره با سکندرونه انتقال جسته سکونت و قرار گرفت تا از این عالم درگذشته به نعم لقرار استقرار یافت و از انجال گرامش حسین افندی اقبال علی افندی احسان ضیاء افندی مبسوط



خاندان قوی الایمان در این امر برقرار است . دیگر آقا محمد حسن بن آقا عبد الرسول شهید قمی سابق الوصف سالها در مسافر خانه جبل کرمل مباشرت بطبخ و اداره امور داشت و چندی در عکا مستحفظ و مستخدم بیت ابهی شد و الی آخر الحیات از دواج ننموده بخدمت پرداخت تاد در سال ۱۳۴۶ در عکا درگذشت . دیگر آقا حسین اشجسی سابق الوصف که بکمال اخلاص و وفاداری جوار حضرت عبد البهاء زیست و از پسران و دخترانش خاندان واسعه اشجسی برقرار گردید و سال ۱۳۴۶ در بهجی فوت شد در قبرستان بهائی گلستان جاوید بجوار مرقد مجدد والده حضرت عبد البهاء مدفون گشت دیگر اخلاف و منتسبین خلیل کاشی سابق الوصف پسرش آقا عبد الرسول مسکدر عکا و پسر دیگرش آقا رفعت الله در عکا اختلال حال یافته بالاخره در دارالمجانین رنگسون درگذشت و پسر دیگرش آقا رحمت الله بالاخره در رمله وفات نمود دیگر عارف در ری اقامت جست و آقا اسد الله برادر خلیل در روضه بهجی عکا وفات یافت دیگر آقا عبد الرحیم مسکدر چار فلج و ضعف پیری و تنگی معاش گشت و حضرت عبد البهاء او را نگه داشتند و پسر کوچکش رضوان وهم بزرگش بدیع الزمان که مباشرت خدمت بیت مبارک در حیفا داشت درگذشت و دخترش که لمیمه نام یافت خدمتگذار و روزه مبارکه علیا شد

وهنگامیکه حضرت عبدالبهاء بیمار گردید به نیت فدا بدور  
 طواف کرد و بعد از چندی درگذشت ولذا الزاتقا  
 عبدالرحیم نسلی برجای نماند و خود در هشتاد  
 سالگی در عکاوفات یافته در گلستان جاوید مدفون  
 گشت دیگر خاندان آقا علی شهرباف کاشی سابق الوصف  
 آقا عبدالصمد مسکرو خواهرش حیاتیه خادمه در  
 قصر بهجی و خواهر دیگرش جمالیه خادمه حضور  
 جمال مبارک از شدت فراق در ربیع الاول سال  
 ۱۳۱۱ درگذشت و بجوار مرقد والده حضرت عبدالبهاء  
 مدفون گشت . دیگر شیخ علی اکبر ابن شیخ ابوالقاسم  
 شهید مازکانی سابق الوصف در کشف افضال آن حضرت  
 بسربرد و عاقبت الامرد عکاد در گذشته مدفون گشت .  
 دیگر محمد خان بلوچ سابق الوصف در جوار قرب آنحضرت  
 مقرب داشت تا در حدود سال ۱۳۳۰ درگذشت و بقرب مقام  
 اعلی مدفون شد . دیگر از مجاورین مهاجرین ثابتین  
 عائله و اخلاف حاجی عبدالرحیم قناد یزدی سابق الوصف  
 در بخش ششم پسرانش حاجی محمد و میرزا حسین و آقا  
 احمد در مصر و اسکندریه و بالاخره در حیفامقیم شده  
 عائله واسعه یزدی و تجارت تاسیس کردند . آقا احمد  
 چندین سال در پورت سعید قونسول دولت ایران

## ۱۱۴۴ مکرر اول

بود و مصدر خدمات قیمه گشت و بوصولت با چهارمین ورقه  
و دختر حضرت عبدالههها رسید دیگر حاجی سید  
جواد و آقا سید علی یزدی سابق الذکر در قمار مصر  
و حیفابا عائله خود اقامت داشته مورد عنایات  
والطاف بودند دیگر پسران آقا زین العابدین منشادی  
ابوالقاسم و ابراهیم سابق الذکر که آقا ابوالقاسم  
بجای عبدالصالح اصفهانی متوفی باغبان رضوان  
و آقا ابراهیم در قصر بهجی مستخدم گشت و پس از  
صعود مبارک در ظل فضل و الطاف حضرت عبدالههها  
بسربردند و در عمارت گذشتند و از آقا ابراهیم خاندانی  
برجا است دیگر آقا محمد علی قناد اردکانی  
و برادرش آقا نصرالله که سالها مقیم حیفابا بوده  
چنان فروش و شیرینی پزی میکرد خاندانی  
برقرار میباشد دیگر حاجی علی یزدی سابق الذکر  
سالیانی چند با اغصان و مخالفین مرکز بهمان مساعدت  
و سابقه ارتباط یافت و بالاخره ملتفت احوالشان  
شده بگست و بخدمت حضرت غصن اعظم عبدالههها  
پیوست و ازو و زوجه اش بنت سیاح مراغه خلف  
و خاندانی برجا است دیگر استاد محمد علی  
بنایزدی که در او خرسنمین اشراق انوار الهی

۱۱۴۴ مکرر دوم

بعکرافته بماند و خدمت صفار جناب کلیم بامور گشت  
و بعد از غروب جمال قدم حسب امر حضرت  
عبدالیهاء کفّاشی بیاموخت و سالها در عکنا و  
حیفاء در اطراف بیت مبارک بنیست و در مجالس  
حضور بالحن جذاب ابیات و آیات خوانند و  
بالاخره در حیفاء درگذشت و در قبرستان بهائی  
دامنه کوه کرمصل مدفون گشت دیگر  
حاجی ناصر بهدادی سابق الوصف  
بموجب اجازه حضرت عبدالیهاء مقیم  
عکنا بود و در آغاز چندی در چار اشتباه  
و فتور گشت و بالاخره عتبه و متیظ  
شده عاقبة الحیات را در ظل رافت  
و عنایت آن حضرت بهایان رساننده  
درگذشت و در قبرستان اهل بهامدفون  
است و از جمله بهایان ساکنین بیروت  
حاجی محمد پینه دوز شوشتری الاصل  
کبه شرح حال خود را چنین گفت  
من اصلاً از اسم بهائی در اندیشه و اختراز

بودم تا در سفر حج که میرفتم همینکه قرب عکا رسیدم بسرای  
 بیم د خول بانجا قافله را گذاشته و از راه دیگر رفتم که مبادا  
 بهائی شوم و چون در مکه میگذشتم خبر صعود بهاء الله  
 را شنیدم و در دلم احساس تحقیق ازین امر کردم تا در بغداد  
 نزد میرزا موسی جواهری رفتم و با اینکه بی سواد بودم قرآن  
 بدست داشتم و بواسطه اخلاق تواضع و عاطفه دوستی کسه  
 داشت مرا جذب کرده چون از ملاها جز تکبیر و غرورند بیسوده  
 بودم و همینکه تعالیم بهاء الله و ادله و پراهین واضح  
 را شنیدم تصدیق کردم و نزد عبد الکریم که خطبه د ختشرش  
 داشتم رفتم و گفتم که من بهائی شدم و شوق عکا دارم و بدین  
 رواز د ختشر شما منصرفم و با الجملة حاجی محمد مذکور با بسرا د  
 که تشرش که ساکن بغداد بود ند بهائی شدند حاجی محمد  
 مذکور د بیروت و حیفا با عوائد قلیل خود از مسافرین زائرین  
 ضیافت و پذیرائی مینمود از آیات قرآن کثیری د حفظ داشت  
 و تبیین روحانی میکرد و بالاخره بحیفا مجاور شد و بعد است  
 اخلاص و قناعت و قوت ایمانش مصدر عنایت حضرت عبد البهاء  
 بود و در آنجا د رگذشته د قهرستان مدفون شد و عبد القدوس  
 کردی پس از فوز بایمان د ختراًقا محمد علی صباغ زوجه منیر  
 افندی مرحوم بن آقا میرزا محمد علی اخ ابهی را گرفت و بالاخره  
 چون بعد از احتلال سوریه اهالی شام مخد و مش عبد الرحمن

پاشا را بعلت قتل فرانسویان کشتند ویران نیز بهلاکت رسانند  
 و اخلافش یکی احمد که با برخی از مومنین در صلاحه کرده کردستان  
 میزیست و پسر دیگرش حسن در طبریا اقامت میکرد و پسر دیگرش  
 محسن افندی بقوت ایمان و ارادت در محضر حضرت عبدالبهاء  
 موصوف بود در مدرسه بشغل معلمی اشتغال میجست  
 و شیخ بدرالدین از اهل غزه که نزد آقا میرزا ابوالفضل در قاهره  
 تلمذ و تصدیق کرد و فاضل و کاتب و شاعر بود در خصوص این امر  
 نثرأ و نظمأ بحربی نوشت و لوح تفسیر و الشمس و ضحیه را در  
 جواب وی صادر گردید و برادر مهترش شیخ امین قاضی از  
 خلیل الرحمن و برادر که ترش شیخ عبدالحی که جمعی کثیر  
 از اعضاء و عائله و منتسبین و غیرهم را تبلیغ کردند و عده بسیاری  
 از بهائیان مجاور عکا در ایام ابهی را از آن جمله آقا محمد ابراهیم  
 صفارکاشی مقیم حیفا که مامور ارسال و مرسول و پذیرائی  
 مسافری بود در بخش ششم آوردیم و ما محض مراعات اختصار  
 از آن همه اعداد و واقعات ارض مقدسه بهمین مقدار اکتفا  
 کردیم .

اسکندرونه : که در او خرایام اشراق انوار جمال ابهی چند  
 عائله از مومنین ایرانی و عراقی در آنجا اقامت داشتند و از آن جمله  
 میرزا عبد الله اصفهانی موصوف در بخش ششم بود و نیز آقا محمد  
 مصطفی بغدادی و دیگر آقا عباسقلی ولی در ایند و برتد ریج

مرکزی بزرگی شده جمعیتی از عجم و عرب در آنجا اجتماع یافته  
محل اجتماعی و م مدرسه برای تحصیل نوبا وگان خود فراهم  
کردند و پسران میرزا عبد الله عبد الهدی و عبد الهادی و  
رحمت الله فلاح در تجارت و امور متعلقه بقونسولگری ایسران  
اشتغال و ترقیات و شهرت حاصل کردند و ما محض نمونه همین  
مقدار از اوضاع امری سوریه و اسکندرونه را آورده اکتفا کردیم .

## مصر

مصریملت اتصال وارتباط بفلسطین و ذهاب وایاب  
 مسافرین وزائرین دردوره سابق مرکزی مهم برای این امر  
 گردید وحوادث مربوطه بمصروخرطوم ضمن بخش های متقدم  
 گذشت ودراین دوریاقامت میرزا ابوالفضل واهتمام بتعلیم  
 وتبلیغ که دربخش سابق بیان گردید وخصوصاً بورود واقامت  
 مکرر حضرت عبدالبهاء کثرت عد واهمیت مخصوصی حاصل  
 کرد وبعلاوه بهائیان ایرانی ساکن آنجا واخلافشان که  
 دربخش شش تفصیل داده شد جمعی زاهل علم واصحاب  
 مجلات وغیرهم ازبومیان بعرضه آمدند وازمعارف مومنین  
 ساکن قطرمصرشیخ فرج الله الزکی الکردی صاحب المطبعة  
 العلمیة الکردیة ازطلاب جامع الامرنزد آقامیرزا ابوالفضل  
 تلمذ و تصدیق کرد وچندین بار بمحضرت عبدالبهدرمصر  
 وفلسطین تشرف حضور یافت و برطبع ونشرالواح وکتب امریه  
 همت بلیغ بلندی نمود ویاخانواده مومنین ازدواج کرده  
 عاقله برجای گذاشت دیگرشیخ محیی الدین کردی از  
 طلاب واساتید جامع الازهرنیز نزد آقامیرزا ابوالفضل تلمذ  
 کرده ایمان آورد وکتب والواح طبع ونش کرد ودرقطرمصرودیگر  
 بلاد افریقا وعراق عرب وهند وایران اسفارتبلیغیه نمود ومدار  
 الی اللہ العزیز المتعالی والارواح الطیبین

میکنیم .



## هندوستان

بنوعیکه در بخش ششم آوریم در هنگام غروب شمس  
 جمال ابهی جمعی کثیر در بلاد دیده هندوستان از ملل  
 وادیان مختلفه بطریقی که سلیمان خان جمال افندی  
 تبلیغ کرد متعلق و مؤمن بامریدیم بودند و تنی چند از بهائیان  
 ایران امثال حاجی احمد کازرونی و برادرش محمد کاظم و محمد  
 اردکانی و حسنعلی جهرمی و غلامعلی خراسانی در بمبئی  
 اقامت داشتند و بنوعیکه ضمن احوال ملا بهرام نوشتیم بعضی  
 از پارسیان ایرانی مقیم بمبئی مؤمن و محب امر ابهی گشتند  
 که از آن جمله نامدار اردشیر خسرو و برادرش مهرستان  
 و اورمزد یار خدا بخش و بهرام خسرو روز به ورستم سرور  
 و مهربان رستم و شاهویرد خسرو همان بودند و حکیم مهرگان  
 اولاً و دستور جمشید بامهربان رستم و اورمزد یار مذکورشان نیز  
 بمکارفته زیارت و تشرف حاصل نمودند و نیز در آن بلد تنسی  
 چند از افغان قرار گرفته تجارت و شرکت بنام محل البرکده  
 و مطبوعه تاسیس کرده ارسال و مرسول و معامله بابهایان  
 همه جا کردند و در سال ۱۳۱۰ در بمبئی حادثه ای داد که  
 خلاصه آن چنین است یکی از بهائیان یزدی مریض شده  
 چندی در بیمارخانه بطری و الا بود و رئیس بیمارخانه بعضی  
 از دوستان غیر بهائیش را حاضر نمود که او را ملاقات کردند

وصیتش بشنوند و آنان بمریض گفتند تا تبری از ایمان نکنی مرده ات را کفن و دفن در قبرستان نمیکنیم و چون استقامتش را دیدند پس از فوتش اقدامی نکردند و بهائیان نیز خبر نیافتند و حکومت بمبئی آن متصاعد را در سلك اشخاصی مجهول در کنار دریا بخاک سپرد و چون واقعه بحضور حضرت عبدالبهاء عرض شد امر فرمودند زمین برای قبرستان خریدند و بهای آنرا خسود آنحضرت دادند و نقشه باغچه های پرگل و چهارخیابانها و مرکز سرپوشیده در وسط و هر باغچه با خیابان کم عرضی گرداگردش کشیدند و گلستان نامیدند و در همین سنه حادثه دیگری رخ داد و مختصرش چنین است که جهانگیرشاه و اکبرشاه پسران آقاخان محلاتی واعظی را وادار سب و لعن نسبت باهمین امر و مردم را بصدایت تحریک کردند ولی پس از مدتی قلیل جهانگیر در سفر مکه بدست نوکرهایش مقتول شد و حضرت عبدالبهاء بدین مضمون فرمودند تیریکه جهانگیر شاه بسینه امه دف نموده بود بر سینه خودش خورد و حاجی میرزا حسین شیرازی معروف بخرطومی در مطبعه مذکور کتابت میکرد و روابطشان با میرزا محمد علی ناقص اکبر شد پس بود و سال ۱۳۱۲ سید محمد افغان با خرطومی بمکارفته شش ماه با ناقص بسربردند و انبانی از اسرار و افکار وی شده عودت کردند و نخست با جمشید خداداد آنگاه بفرود آمدند

از مشرین القانقض کرد و به مرکز عبودیت کبیری افترا با دعا  
زدند و از حال زلت و فاقه آل الله گریستند و طولی نکشید کسه  
بسیبی مرکزی برای نقض گشته اوزاق خرطومی بنام میرزا محمد  
علی و لقب آقای اکبرور ساعلی بنام شخص کرمانی طبع و نشر کردند  
و بی درسی از آن مطبعه ناصری برای نشر مقاصد سیئه بهائیان  
بلا رسید و حاجی سید محمد و حاجی سید میرزا افغان رکسن  
فتنه قرار گرفتند چه که شرکت محل البرکه اختلال و خسبران  
یافت و نقود بیکه شرکا یا ورثه شان مطالبه کردند تا دیه نشد  
و اهالی از هند و مسلم که شرکت را بنام این طایفه میشناختند  
بنای طعن و لوم نهادند و حاجی سید میرزا حضرت عبد البهاء  
خواست که شرکت را برده هزار سهم نوزده تومانی قرار داده  
بهائیان امر دهند که بخرند و حاجی سید محمد امریه را بمس  
و بلا در برده وصول کند و مطبعه که هر امر و نهضتی را ضرور است  
در امر ابهی قوت گیرد و نشر این آئین بدین وسیله صورت بیاید  
و آنحضرت نپذیرفتند و لا جرم حاجی سید میرزا و حاجی سید  
محمد و حاجی میرزا حسین هذکور خائب شده صریحاً مخالفت  
کردند بنوع مذکور یا میرزا محمد علی ارتباط شدید یافتند و چندی  
روایح نقضیه از آنحدود وزید تا آنکه حاجی میرزا محمد تقسی  
طوسی یزدی از محضر حضرت عبد البهاء رسیده محل تجارت  
بگشاد و مومنین را از رحیل و دسائس ناقضین آگاه ساخت

و غلامعلی خراسانی و حاجی احمد کازرونی را بر خدمت مهیا کرد  
 و در آن حال حسب عریضه که جمعی از مخلصین درباره مفسد  
 ناقضین بمحضرمقدس فرستادند میرزایوسف خان وجدانسی  
 آمد و مقام مرکز عهد را تبیین و تثبیت نمود ولی ناقضین لاسیما  
 غرطومی نگذاشت که کتاب عهد را در مجمع دوستان بخواند  
 آنگاه میرزا محرم "۱۳۱۵" پس از ورود بجده و ملاقات حاجی  
 میرزا حسین لاری وجد در اصلاح حال دامادش میرزایحیی  
 ناقض که مامور بود بمبئی آمده در آنجا اقامت گرفت و تالاری  
 اجاره کرده جمعیت مومنین هفته دو بار مجتمع شده تلاوت  
 الواح و آیات مینمودند و مقام مرکز پیمان را بهمگی فهمانده  
 و خراطمی را چنان مغلوب و مضمحل ساخت که خود دوری جست  
 و رایت میثاق مرتفع گشت و بی دربی آثار مبارکه برای میرزا محرم  
 و مومنین ثابتین رسید و ناقضین بطبع افتراءت پرداخته  
 با سامی بهائیان جهان همی فرستادند و سید میرزا روانده  
 شیراز ویزد شد که شاید در نقض یکوشد و این اقدامات موجب

---

در سنه ۱۳۰۹ فانی بعد از ورود بمبئی و ملاقات مرحوم حاجی  
 میرزا مهدی یزدی معروف باطوسی برادر مرحوم حاجی میرزا  
 محمد تقی طوسی راه نمائی فانی را بمحفل و محل بهائیان که  
 با اصطلاح هندوستان منگله میگفتند کرد در مجلس عمومی  
 چون بهمراهی حاجی مذکور وارد شدیم پهلوی هم واقف  
 از فارسیان بهائی و اسلامی مجمع مرتب حاجی احمد معروف